

بسمه تعالی

مسجد الحرام از دیدگاه آلت و روائت

عبدالهادی محمودی

مقدمه

حضرت آدم (علیه السلام) مسجد الحرام را همزمان با بنای کعبه ساخت. در زم آن حضرت ابراهیم (علیه السلام)، در تجدید بنای کعبه، حدود مسجد نیز مشخص شد. البته، مردم این حدود را رعایت نکردند و در اطراف کعبه و داخل محدوده‌ی مسجد الحرام خانه ساختند. پس از اسلام و به مرور، حدود اولیه به مسجد بازگرفته شد و بخشی نیز به آن افزوده شد.

حسین ابن نعیم روایت می‌کند: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَمَّا زَادُوا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ عَنِ الصَّلَاةِ فِيهِ، فَقَالَ: إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَاسْمَاعِيلَ (ع) حَدَّاهُمَا مَبَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ، فَكَانَ النَّاسُ يَخْجُونَ مِنَ الْمَسْجِدِ إِلَى الصَّفَا»^۱. این حدیث و سایر حدیث‌ها در این مورد نشان می‌دهد که حدود مسجد از قبل تعیین شده است. علاوه بر احکام کلی مسلج، مسجد الحرام آداب و احکام مخصوصی نیز دارد. وجود کعبه در درون مسجد، قداست ویژه‌ای به آن بخشیده است و عبادت، نماز خواندن و تلاوت قرآن را در آنجا نمی‌توان با سایر مکان‌ها مقایسه کرد. مسجد الحرام تاریخی کهن و پرمایه دارد؛ حضور پیامبران و طمع مشرکان برای تسخیر یا تخریب آن از دیگر ویژگی‌های متمایز این مسجد است.

مسجد الحرام بهانه‌ای برای وصال

امام صادق (علیه السلام) فرموده است هنگام ورود به مسجد الحرام بگویند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَالْبَلَدُ بَلَدُكَ وَالْبَيْتُ بَيْتُكَ جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَأَوْفُ طَاعَتِكَ مُطِيعٌ أَمْرِكَ رَاضِيًا بِقَدَرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ»^۲ بار خدایا! من بنده‌ی توام و این شهر شهر توست و این خانه خانه‌ی توست. من به جستجوی رحمت تو بدین بارگاه آمدم و در راه بندگیت قدم نهادم. به فرمانت تن داده‌ام و به مقدرات رضا داده‌ام و اینک مانند درماندگان خائف دست ترحم به سوی تو دراز کرده‌ام. بار خدایا! درهای رحمت را به رویم بگشا و در خدمات و خواسته‌های کارگزارم فرما.

^۱ تهذیب، ج ۵، ص ۴۵۳ و ۱۵۸۴.

^۲ کافی، ج ۴، ص ۴۰۱.

همه‌ی فرازهای این دعا بیان‌کننده‌ی این حقیقت است که حضور در مسجد، بهانه‌ای برای وصال به رحمت خداوند است.

وادی پاکان و طاهران

قرآن می‌فرماید:

«لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»^۱، به حقیقت کلام خدا دست نخواهید یافت، مگر آنکه پاک و طاهر باشید؛ زیرا کلام پاک، فکر و نیت پاک می‌طلبد.

«ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ»^۲، ورود به فضای پاکان نیز طهارت ظاهری و باطنی می‌طلبد.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عِيلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»^۳، ورود مشرکان به مسجد الحرام منع شده است؛ زیرا در محیطی که نور توحید تابش دارد و موحدان در آن اجتماع می‌کنند، نباید تاریکی و ظلمت شرک و کفر جایی داشته باشد.

«مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ بِالْكَفْرِ أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ»^۴، حتی امارت و بنای ساختمان مسجد نیز نباید به دست ناپاکان آلوده شود؛ زیرا سراسر مسجد نور است و طهارت با شرک و کفر سنخیتی ندارد.

مأمن دلدادگان و پناهندگان

امام رضا (علیه السلام) در حدیث معروف سلسله الذهب از خداوند متعال نقل می‌فرماید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي»^۵. اما مسجد الحرام مظهر کلمه «توحید»

است و هر مسلمانی در آن جا در امان است و هیچ کس حق تعدی و مزاحمت به او را ندارد.

خداوند می‌فرماید:

^۱ سوره‌ی واقعه، آیه‌ی ۷۹

^۲ سوره‌ی حج، آیه‌ی ۲۹

^۳ سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۲۸

^۴ سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۱۷

^۵ . صحیفه الإمام الرضا علیه السلام / ۴۰ / متن الصحیفه

«وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ»^۱، حتی مشرکانی که نباید به مسجدالحرام راه یابند، اگر روزی به این مسجد پناهنده شدند، تازمانی که قصد توطئه یا جنگ و ستیز با مؤمنان را نداشته باشند، باید به پناهندگی آنان احترام گذاشت.

«وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوا فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ»^۲، در کنار مسجد الحرام با آنان جنگ مکنید مگر آنکه با شما در آن جا به جنگ در آیند پس اگر با شما جنگیدند آنان را بکشید که کیفر کافران چنین است.

همان گونه که گردآمدگان در مسجدالحرام باید از تعدی و تجاوز دیگری در امان باشند، این امید را نیز باید داشته باشند که خداوند آنان را از عذاب و قهر خودش در امان خواهد داشت تا در مأمن رحمت او سکنا گیرند.

محل امن مبارزه با شرک جهانی

مسجدالحرام فقط محلی برای عبادت نیست بلکه مرکز فریاد توحید و عدالت و مبارزه با شرک است . همه ی پیامبران - از آدم تا خاتم - در آنجا حضور داشتند و ندای توحید و مبارزه با شرک را سر داده اند . مسجدالحرام مرکز مشترک همه ی انبیا در شعار توحید و مبارزه با شرک است و با چنین پیشینه و جایگاهی موقعیتی استراتژیک دارد؛ بنابراین مدیریت آن به کسانی سپرده می شود که نخست به توحید ایمان داشته باشند و همچنین التزام عملی خود را به آن اثبات کنند.

خداوند می فرماید : مسلمانان باید در مبارزه با شرک ، شجاعت داشته باشند و از غیر خدا نهراسند .^۳ همچنین، خداوند در بیان اینکه فقط پرهیزکاران شایسته ی تصدی امور مسجدالحرام هستند می فرماید:

«وَمَا لَهُمْ آلَا يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ إِنْ أُولَٰئِكَ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»^۴.

آنان که خود از سردمداران شرک بوده اند، دل به بیگانگان سپرده اند و دنیا و دین خود را با مشرکان پیوند زده اند، نمی توانند مدیریت کانون توحید و مبارزه با شرک را به دست گیرند و مسلمانان را در ستیز با شرک رهبری کنند. به دلیل جایگاه ویژه ی مسجدالحرام در مبارزه با شرک، مشخص می شود که چرا مستحب است

^۱ سوره ی حج، آیه ی ۲۵

^۲ سوره ی بقره، آیه ی ۱۹۱

^۳ سوره ی توبه، آیه ی ۱۷ و ۱۸

^۴ سوره ی انفال، آیه ی ۳۴

از باب «بری شیبه» به مسجد الحرام وارد شویم. وقتی علی (علیه السلام) بت هبل را از کعبه پایین آورد و شکست، به دستور پیامبر (صلی الله علیه وآله) آن بت در جایی دفن شد که به باب «بنی شیبه» معروف است. حاجیان هنگام ورود به وادی توحید، نخست شرک (بت هبل) را زیر پای خود لگدمال می کنند و سپس وارد می شوند.

«فی شرح المآزمین - انه موضع عبد فيه الاصنام ومنه اخذ الحجر الذي سخت منه هبل الذي رحي به علي (ع) من ظهر الكعبة، لما علا ظهر رسول الله (ص) فامر به فدفن عند باب بنی شیبه فصار الدخول ای المسجد من باب شیبه سنة الاجل ذلك».^۱

نماد رفی نژادپرستی و نظام طبقاتی

در مسجد الحرام همه یکسان هستند و وحدت و یکپارچگی در آن موج می زند. مردم از هر کشوری، با هر نژادی و در هر سطحی از موهبت دنیایی و الهی برخوردارند:

«وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ»^۲، مسجد الحرام که آن را برای مردم اعم از مقيم در آنجا و بادیه نشین، یکسان قرار داده ایم.

در مسجد الحرام، حتی مرزهای جنسی نیز تعریف دیگری پیدا می کند. شخصی از امام صادق (علیه السلام) سؤال کرد:

«قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَقُومُ أَصَلِّي وَالْفَرَأُ جَالِسَةً بَيْنَ يَدَيَّ أَوْ مَارَةً» و امام پاسخ داد: «لَا بَأْسَ إِنَّمَا سُمِّيَتْ بِكَ لَأَنَّهُ يَبْكُ فِيهَا الرِّجَالُ وَالنِّسَاءُ»^۳.

در سایر مسجد ها و محفل ها، حتی در عرصه ی جهاد با دشمن ، حضور زنان واجب نیست ؛ اما در مسجد الحرام برای انجام مناسک عبادی حج یا عمره، حضور زنان واجب می شود. در مراسم حج، زن و مرد کنار یکدیگر گرد کعبه طواف می کنند که نشان می دهد در کمال معنوی و صعود الی الله جنسیت ، نژاد و طبقات دنیوی نقشی ندارد.

مسجد الحرام پایانی برای آغاز

حضور در مسجد الحرام مرحله ی پایانی مناسک حج است؛ اما این پایان آغازی است برای سیروسلوک . خداوند معراج پیامبر خود را از مسجد الحرام قرار داد تا به بندگان و ارسته ی خود بگوید کعبه پایان حرکت آنان نیست. آنان که به کعبه رسیدند، در ابتدای کار قرار دارند و باید از اینجا عروج کنند و راه معراج را

^۱ الحج والعمره، ص ۴۸، حدیث ۱۰۹.

^۲ سوره ی حج، آیه ی ۲۵

^۳ بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۲۹۴.

برگزینند: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ آيَاتِنَا»^۱.

مسجد الحرام مقصد و مقصود همگان

کعبه و مسجد الحرام فقط مقصد و مقصود حاجیان نیست و به زمانی خاص محدود نشده است؛ بلکه در هر زمان و لحظه‌ای مبدء و مقصد همگان است. کعبه و مسجد الحرام قبله و تکیه‌گاهی هستند که هر کس، از هر جا و در هر حالتی، به آن‌ها روی می‌آورد و آرامش می‌طلبد.

«قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَكِّيكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلَّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ»^۲، ما [به هر سو] گردانیدن رویت در آسمان را نیک می بینیم پس [باش تا] تو را به قبله‌ای که بدان خشنود شوی برگردانیم پس روی خود را به سوی مسجد الحرام کن و هر جا بودید روی خود را به سوی آن برگردانید.

مانعان خانه‌ی خدا

«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَن يُرِدْ فِيهِ يَلْحَاقْ بِظُلْمٍ نُّذِقْهُ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ»^۳.

در آیه‌های قبلی، به‌طورمطلق سخن از کفار در میان بود؛ ولی در آیه‌ی مورد بحث به گروه خاصی از آنان اشاره شده است که تخلف‌ها و گناهان سنگینی داشته‌اند؛ به خصوص دربار «مسجد الحرام» و مراسم پرشکوه حج. خداوند نخست می‌گوید کسانی که کافر شده‌اند و جلوی حرکت مردم به سوی خدا را می‌گیرند و مردم باایمان را از کانون بزرگ توحید، مسجد الحرام، باز می‌دارند، مستحق عذابی دردناک هستند و همچنین، خداوند می‌فرماید: هر کس بخواهد در این سرزمین از راه حق منحرف شود و به ظلم و ستم دست بزند، عذابی دردناک به او می‌چشاند.

درواقع، این گروه از کافران، علاوه بر انکار حق، مرتکب سه جنایت بزرگ شده‌اند:

۱ - جلوگیری از راه خدا و ممانعت از مؤمنان در ایمان به خدا؛

۲ - جلوگیری از ورود عبادت‌کنندگان و زوار خانه‌ی خدا و امتیاز قائل شدن برای خود؛

۳ - ظلم، گناه و الحاد در این سرزمین مقدس.

۱ سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۱

۲ سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۴۴

۳ سوره‌ی حج، آیه‌ی ۲۵

در این آیه، «کفر» این گروه به صورت «فعل ماضی» آمده است و «جلوگیری از راه خدا» به صورت «فعل مضارع»؛ در نتیجه به این نکته اشاره می کند که کفر آن ها قدیمی است اما تلاش و کوششان برای گمراه کردن مردم هم پیشگی و مستمر. به تعبیر دیگر، جمله ی اول از اعتقاد باطل آن ها سخن می گوید که امری است ثابت و جمله ی دوم از عمل مکررشان در «صد عن سبیل الله». منظور از «صد عن سبیل الله» هر تلاش و کوششی است برای جلوگیری از ایمان و اعمال صالح مردم و همه ی برنامه های تبلیغاتی و عملیاتی که در جهت تخریب اعتقاد مردم انجام می گیرد.

همه ی مردم در این مرکز عبادت یکسانند

در تفسیر جمله ی «سَوَاءُ الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ» مفسران بیانات گوناگونی دارند: بعضی گفته اند منظور این است که همه ی مردم در مراسم عبادی این کانون توحیدی یکسانند و هیچ کس حق مزاحمت بهای حج دیگری را ندارد. بعضی معنی وسیع تری برای این جمله قائل شده اند و گفته اند: نه تنها در مراسم عبادت همه ی مردم یکسانند بلکه در استفاده کردن از زمین و خانه های اطراف مکه برای استراحت و سایر نیازها نیز باید مساوی باشند؛ به همین جهت، جمعی از فقها خرید و فروش و حتی اجاره ی خانه های مکه را تحریم کرده اند. در روایات اسلامی نیز تأکید شده است که نباید از سکونت زائران در خانه های مکه جلوگیری کرد. برخی این منع را از باب کراهت و برخی از باب حرمت می دانند.

در نهج البلاغه، در نامه ای که علی (علیه السلام) به قثم بن عباس، فرماندار مکه، نگاشت، چنین می خوانیم: به مردم مکه دستور بده که از کسانی که در این شهر سکنی می گزینند، اجاره بها نگیرند؛ زیرا خداوند می فرماید: در این سرزمین برای کسانی که مقیمند یا از بیرون می آیند، یکسانند. منظور از «عاکف» کسی است که در آنجا اقامت دارد و مراد از «بادی» کسی است که از نقاط دیگر به قصد حج می آید.^۱

از بعضی از روایات نیز استفاده می شود که زوار خانه ی خدا حق دارند از حیاط خانه ها تا پایان مناسک حج استفاده کنند. البته، این حکم تا حد زیادی با بحث آینده ارتباط دارد که منظور از مسجد الحرام در این آیه، آیا خصوص آن مسجد است یا تمام مکه را شامل می شود. اگر قول اول را بپذیریم، نوبت به خانه های مکه نمی رسد ولی اگر تمام مکه را در مفهوم آیه داخل بدانیم، تحریم خرید و فروش و اجاره برای حاجیان مطرح می شود. از آنجا که این مطلب از نظر منابع فقهی و روایات و تفسیر مسلم نیست، حکم به تحریم مشکل است، ولی بدون شک سزاوار است که اهل مکه برای زائران خانه ی خدا تسهیلات لازم را فراهم کنند و

^۱ نهج البلاغه نامه ی ۶۷

خود را برتر ندانند. به هر حال، در میان فقهای شیعه و اهل سنت، قول به تحریم طرفداران زیادی ندارد.^۱ البته، این معنا نیز مسلم است که هیچ کس حق ندارد به عنوان متولی خانه‌ی خدا ی‌عناوین دیگر، برای زائر این خانه مزاحمتی ایجاد کند یا آن را به پایگاه اختصاصی برای تبلیغات و برنامه‌های خود تبدیل کند. بعضی گفته‌اند: منظور همان چیزی است که از ظاهر آیه درک می‌شود؛ یعنی خانه‌ی کعبه و کل مسجد الحرام. برخی دیگر آن را اشاره به تمام مکه می‌دانند و آیه‌ی اول سوره‌ی اسراء را که در باره‌ی معراج پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است، دلیل بر نظر خود می‌دانند؛ زیرا در این آیه تصریح شده است که آغاز معراج از مسجد الحرام بود؛ در حالی که تاریخ می‌گوید: از «خانه‌ی خدیجه» یا «شعبابی طالب» یا «خانه‌ی ام‌هانی» بوده است. در نگاه این دسته، بنابراین، منظور از مسجد الحرام کل مکه است.^۲ باید گفت از آنجا که نمی‌دانیم آیا شروع معراج پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از بیرون مسجد الحرام بوده است یا از داخل آن، دلیلی نداریم که آیه‌ی مورد بحث را از ظاهرش باز گردانیم. بنابراین، حیطه‌ی موضوع بحث فقط مسجد الحرام است. حکم دوم به سبب این است که حکم مزبور ظاهراً حکمی استجابی است.

«الحاد» در لغت به معنای انحراف از حد اعتدال است و «لحد» را از این جهت لحد می‌گویند که حفره‌ای در کنار قبر و خارج از حد وسط است. بنابراین، منظور از آیه‌ی فوق کسانی است که با توسل به ظلم، از حد اعتدال خارج می‌شوند و در آن سرزمین مرتکب خلاف می‌گردند. البته، برخی از مفسران الحاد را منحصرأ به معنای «شرک» تفسیر کرده‌اند و بعضی به معنای حلال شمردن محرمات و بعضی دیگر از مفسران، آن را به معنای وسیع کلمه دانسته‌اند؛ یعنی ارتکاب حرام، دشنام و بدگویی به زیر دستان. در نگاه این دسته، کیفر ارتکاب گناه در آن سرزمین مقدس، شدیدتر و سنگین‌تر است.

امام صادق (علیه‌السلام) در تفسیر این آیه می‌فرماید: «كُلُّ ظُلْمٍ يَظْلِمُ بِهِ الرَّجُلُ نَفْسَهُ بِمَكَّةَ مِنْ سَرِقَةٍ أَوْ ظُلْمٍ أَحَدٍ أَوْ شَيْءٍ مِنَ الظُّلْمِ فَإِنِّي أَرَاهُ إِلْحَادًا وَلِذَلِكَ كَانَ يُنْهَى أَنْ يُسْكَنَ الْحَرَمَ»، هر گونه ستمی که انسان به خودش در سرزمین مکه کند؛ اعم از سرقت و ظلم به دیگران و هر گونه ستمی، من همه‌ی این‌ها را الحاد (و مشمول این آیه) می‌دانم. از همین رو، امام به افراد توصیه می‌کرد که در مکه زندگی نکنند، زیرا گناه در این سرزمین مسئولیت سنگین‌تری دارد.^۳ روایت دیگری نیز به همین معنا نقل شده و با اطلاق ظاهر آیه نیز هماهنگ است. به همین دلیل، بعضی از فقیهان می‌گویند: اگر کسی در حرم مکه مرتکب گناهی شود که در

^۱ . برای توضیح بیشتر، نک ج ۲۰ جواهر الکلام ص ۴۸

^۲ کنز العرفان ج ۱ ص ۳۳۵

^۳ تفسیر نور الثقلین ج ۳ ص ۴۸۲

اسلام حد برای آن تعیین شده است، باید علاوه بر حد تعزیر، مجازات اضافی نیز بشود. آنها به جمله ی «نذقه من عذاب الیم» استدلال کرده‌اند. از آنچه گفتیم روشن می‌شود: کسانی که آیه را به معنای نهی از احتکار یا دخول در منطقه‌ی حرم بدون احرام، تفسیر کرده‌اند، مصداقی روشن دارند؛ درغیراین صورت، دلیلی نداریم که مفهوم وسیع آیه را محدود کنیم.

منبع: دفتر مطالعات و پژوهشهای مرکز رسیدگی به امور مساجد